

## دولت اسلامی و بایسته‌های توسعه معنویت و اخلاق<sup>۱</sup>

مهدی اوجی<sup>۲</sup>

### چکیده

بعد از طرح نظریه ولایت فقیه از طرف امام خمینی (ره) و دفاع علمی و محکم از آن و شکل‌گیری انقلاب بزرگ اسلامی به رهبری ایشان بر اساس ولایت فقیه و سقوط نظام شاهنشاهی و تثبیت جمهوری اسلامی و سامان گرفتن حکومت و بنیان‌های اساسی و قانونی آن در ضمن نزاع‌های سیاسی نیروها و جناح‌های معتقد به انقلاب، این مسئله مطرح شد که آیا دولت اسلامی نسبت به توسعه معنویت و اخلاق در جامعه مسئولیت و شأنی دارد یا خیر؟

در مقاله حاضر اثبات شده است که دولت نسبت به معنویت و اخلاق شهروندان مسئولیت دارد و در مقام بیان بایسته‌های دولت نیز تبیین شده است که دو گونه بایسته متوجه دولت اسلامی است: ۱. ایجابی، ۲. سلبی که هرکدام به دو گونه تقسیم می‌شود: مستقیم و بی‌واسطه و غیرمستقیم و با واسطه؛ مثل اقدامات تعلیمی و تبیینی در حوزه دولت و در بین کارگزاران خود و اقدامات مشابه در حوزه عموم مردم از طریق صداوسیما و... در مدل مستقیم و پشتیبانی نامحسوس نسبت به فعالیت‌های دینی و معنوی و تصویب قوانین و مقررات مناسب توسعه معنویت و... در ایجابی غیرمستقیم؛ کما اینکه در بایسته‌های سلبی به مواردی مثل حذف و فیلتر نمودن شبکه‌های منحرف و ضد اخلاق و... در نوع مستقیم و مانع تراشی نامحسوس نسبت به فعالیت‌های ضد دین و معنویت و حذف بعض قوانین و مقرراتی که مستمسک گروه‌های ضد معنویت در نوع غیرمستقیم اشاره شده است.

موضوع این مقاله و حوادثی که مرتبط با مقاله بوده، یعنی فتنه زن زندگی آزادی و توطئه کشف حجاب بعض خانم‌ها و موضع‌گیری‌ها و نظریه‌هایی که مطرح شده از جمله اینکه اصلاً دولت هیچ مسئولیتی نسبت به اخلاق و معنویت جامعه ندارد، همه و همه نو و به‌روز هستند، همان‌طور که استدلال‌ها و راهکارهای مطرح‌شده با نگاهی نو و جدید است.

**واژگان کلیدی:** دولت اسلامی، توسعه معنویت، بایسته‌های ایجابی و سلبی.

۱. پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۹

تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱

۲. استاد سطوح عالی و درس خارج حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

## مقدمه

از مباحثی که سال‌های پایانی حکومت طاغوت، ذهن متفکران اسلامی و روشنفکران، خصوصاً مبارزین را به خود مشغول نموده بود، اصل مشروعیت تشکیل حکومت و دولت اسلامی بود اما به برکت نظریه ولایت فقیه که توسط امام خمینی مطرح، تبیین و دفاع قوی از آن صورت گرفت، مشروعیت بلکه ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تثبیت شد و این نظریه ریشه اصلی شکل‌گیری انقلاب و سرنگونی رژیم طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی گردید.

اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت، مباحث جدیدی در رابطه با حکومت اسلامی مطرح شد که از جمله محدوده اختیارات حکومت و وظایف آن بود؛ مانند اینکه آیا حکومت نسبت به اخلاق و معنویت افراد جامعه مسئولیتی دارد یا خیر؟ و اگر مسئولیت دارد، بایسته‌های توسعه معنویت و اخلاق چیست؟

## مفاهیم

۱. توسعه: توسعه تحولی است چندبعدی، مادی و معنوی و در بعد مادی ممکن است سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی باشد؛ همان‌طور که در بعد معنوی ممکن است توسعه در سطح باشد «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر، ۲) و ممکن است در عمق باشد «كَرَزِعَ أَخْرَجَ شَطَأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغَلَّ فِاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ» (فتح، ۲۹).
۲. معنویت: معنویت در لغت مصدر جعلی معنوی و به معنای معنوی بودن است و به هرآنچه شامل یا مربوط به معنا یا روح باشد، گفته می‌شود و در مقابل ظاهری و مادی است.

اما گویاترین معنا برای معنویتی که مراد ما در این تحقیق است، همان معنایی است که رهبر معظم انقلاب برای معنویت در بیانیه گام دوم فرموده است که عبارت است از: برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان، در خود و جامعه؛ همان‌گونه که مراد از اخلاقی را که در این بحث مورد نظر ما است، به‌خوبی بیان و ارائه کرده است، چنان‌که می‌گوید: اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی،

گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلیقات نیکو است (بیانیه گام دوم، ۳۷ توصیه‌ها).

### ۱. مسئولیت دولت اسلامی نسبت به اخلاق و معنویت

آیا دولت اسلامی مسئولیتی نسبت به معنویت و اخلاق جامعه دارد؟ حاصل آنچه به نظر می‌رسد با تأمل در اخبار و آیات و سیره پیامبر و ائمه هدی و... به طور قطع چنین مسئولیتی متوجه دولت اسلامی بوده و جزء وظایف اصلی دولت محسوب می‌شود.

#### دلایل:

۱. حدیث معروف پیامبر اکرم (ص): «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

وقتی اتمام اخلاق یکی از غایات اصلی دین و بعثت شمرده شده است، آیا ممکن است بگوییم حکومت اسلامی هیچ مسئولیتی نسبت به اخلاق و معنویت جامعه ندارد؟ فرض بر این است که حکومت اسلامی مشروعیت دارد و از سوی دیگر شاهیت و وظیفه حکومت، اجرای احکام شریعت است. بنابراین وقتی از جانب شارع مقدس یکی از غایات اصلی احکام و تشریح آن، اتمام مکارم معرفی شده است، قطعاً به این نتیجه می‌رسیم که تشریح و اجرا و تشکیل حکومت، همه و همه در جهت اتمام مکارم بوده و به عبارت دیگر غایة الغایات این امور بسط و توسعه معنویت و اخلاق در جامعه است؛ بلکه می‌توان گفت این غایت شریف، حاکم بر جمیع احکام و برنامه‌های شریعت و تدبیر و اجرای امور مملکت است، به طوری که قابلیت تضییق و توسیع در مدیریت اسلامی جامعه و اجرای احکام دارد.

رهبر معظم انقلاب در تبیین معنا و مراد حدیث شریف می‌فرماید: «پیغمبر برای ساختن انسان‌ها می‌آید از چه راهی و چه وسیله‌ای استفاده می‌کند؟ مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند؟ صومعه درست می‌کند؟ نه، پیغمبر کارخانه انسان‌سازی درست می‌کند کارخانه انسان‌سازی چیست؟ جامعه و نظام اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴۰۹).

این حدیث در بعض کتاب‌ها مانند مجمع البیان (ج ۵، ص ۳۳۳) به نحو مرسل نقل شده است و در بعض کتاب‌ها مانند أمالی شیخ طوسی (ج ۲، ص ۹۲) مستند ذکر شده است. هرچند بعض از روایات مذکور در سند توثیق نشده‌اند، لکن این حدیث به سبب کثرت نقلی که در کتب مختلف فقهی، حدیثی، کلامی، اخلاقی و لغوی از سده‌ها و قرن‌های متمادی گذشته داشته است، شهرت عظیمه پیدا نموده و می‌تواند جبران‌کننده ضعف سند باشد. بعضی از کتبی که حدیث شریف در آن نقل شده و مورد اعتنای جدی قرار گرفته، عبارت‌اند از: روضة المتقین (ج ۶، ص ۴۲)، مرآة العقول (ج ۷، ص ۳۲ و ج ۸، ص ۱۶۶)، کنز العمال (ج ۳، ص ۱۶)، مجمع البیان (ج ۵، ص ۳۳۳)، أمالی شیخ طوسی (ج ۲، ص ۹۲)، فقه الرضا (ص ۴۷)، مکارم الاخلاق طبرسی (ص ۸)، شرح الکافی ملا صالح مازندرانی (ج ۸، ص ۳۰)، مستدرک الوسائل (ج ۱۱، ص ۱۸۷، ۱۹۱ و ۱۹۲)، بحار الانوار (مجلدات ۱۶، ۶۷، ۷۸ و ۱۰۸)، کتاب القضاء آیت‌الله گلپایگانی (ج ۱، ص ۷)، النهایة ابن اثیر (ج ۲، ص ۷۰)، لسان العرب (ج ۱۰، ص ۸۸)، تاج العروس (ج ۱۳، ص ۱۲۴). علاوه بر اینکه مضمون حدیث شریف را ولو در قالب الفاظ مشابه دیگر و بسیاری از اخبار و روایات کافی و... می‌توان یافت (به عبارت دیگر تواتر معنوی پیدا کرده است).

در آیه شریفه می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)؛ لکن این مطلب برای اهل تدبیر در آیات قرآن روشن است که این گونه غایات از بعثت، از موارد غایات متوسط و میانی است و منافاتی با ثبوت وجود غایة الغایات که همان اتمام اخلاق است، ندارد و در واقع قیام به قسط از غایات میانی است که زمینه‌ساز تحقق غایة الغایات است.

۲. «الناس علی دین ملوکهم» (اربعی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۱).

معنای این جمله حکیمانه این است که ملوک و نظام‌های حکومتی قابلیت تأثیرگذاری بر جامعه را دارند. وقتی چنین باشد، آیا معقول است که بگوییم حکومت هیچ تکلیف و بایسته‌ای نسبت به دین و اخلاق مردم ندارد؟

هرچند حدیث در کشف الغمة مرسل نقل شده، لکن مرحوم مجلسی اول در شرح فقیه (لوامع صاحبقرانیه، ج ۲، ص ۴۹۴) تعبیر به خبر مشهور می‌کند و در بعضی از کتب به عنوان سخن حکیمانه از آن یاد می‌کنند که ممکن است مراد آنان این باشد که حدیث مذکور ارشاد به سیره و حکم حکیمانه عقلا است.

اگر صرفاً سخن حکیمانه باشد، بیانگر حقیقتی است که توسط عقلا عالم در طول تاریخ تجربه شده و تاریخ بر صدق این سخن حکیمانه شاهد است. به هر حال صلاحیت این را دارد که در خصوص بحث ما که تأثیرگذاری حاکمان و ملوک و مدیران جامعه نسبت به سیر تحولات فرهنگی و دینی است، مورد استناد واقع شود.

۳. قال رسول الله (ص) لعلی (ع): «لان یهدی الله علی یدیک عبدا من عباده خیر لک مما طلعت علیه الشمس» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸).

در جریان اعزام امام علی (ع) به یمن، پیامبر خدا (ص) فرمود: یا علی یک نفر به دست تو هدایت شود برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد. حضرت این مطلب را به امام علی به عنوان فرمانده لشکر و جیش عازم به یمن فرمود؛ یعنی مهم‌ترین مأموریت لشکر حکومت اسلامی این است که مردم سرزمین‌های مختلف را با حقیقت اسلام و معارف و معنویات و اخلاق اسلامی آشنا کند نه اینکه فقط هدف کشورگشایی و سلطه بر سرزمین‌ها و مدیریت اقتصادی و سیاسی کشورها باشد و این ملاک، اختصاص به امام علی و سفر ایشان به یمن ندارد، بلکه مطلق حکومت اسلامی و دولت دینی را در هر جای عالم که تشکیل گردد، شامل می‌شود.

این حدیث را مرحوم کلینی به دو طریق نقل می‌کند که در یک طریق آن (۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶) دو نفر از روات ضعیف و غالی قرار دارند (محمد بن الحسن بن شمون و عبدالله بن عبدالرحمن) ولی در طریق دیگر (۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸) که علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام است، هیچ ضعفی وجود نداشته و خبر موثق است.

۴. آیه شریفه: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج، ۴۱).

رهبر معظم انقلاب در مقام استشهاد به آیه شریفه در بیان بایسته های حکومت ولایی می فرماید: جامعه دارای ولایت، جامعه ای می شود که تمام استعداد های انسانی را رشد می دهد. همه چیزهایی که برای کمال و تعالی انسان، خدا به او داده، اینها را بارور می کند. نهال انسانی را بالنده می سازد. انسان ها را به تکامل می رساند. انسانیت ها را تقویت می کند. در این جامعه، ولی یعنی حاکم، همان کسی که همه سررشته ها به او برمی گردد، جامعه را از لحاظ مشی عمومی، در راه خدا و دارای ذکر خدا می کند. از لحاظ ثروت، تقسیم عادلانه ثروت به وجود می آورد. سعی می کند نیکی ها را اشاعه بدهد، سعی می کند بدی ها را محو و ریشه سوز کند (خامنه ای، ۱۳۹۷، ص ۴۵۴).

۵. آیه شریفه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور، ۵۵).

رهبر معظم انقلاب در مقام استدلال به آیه شریفه می فرماید این تمکن و قدرت و حکومت و امنیت را که آیه شریفه وعده می دهد برای چیست؟ برای این است که لم بدهند و بی عاری کنند نه، آن امنیت برای این است که بتوانند در سایه آن یک گام و ده گام به سوی سرمنزل نهایی انسان یعنی تکامل نزدیک بشوند (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) (خامنه ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰۳).

اشکالی که در اینجا مطرح می شود این است که بعضی افراد و گروه ها که در بحث قلمرو دین ادعای اقلی بودن داشته و محدوده نفوذ و دخالت دین را منحصر در امور فردی و شخصی می دانستند و مدعی بودند دین هیچ گونه دخالتی در حکومت و اداره مملکت نباید داشته باشد، وقتی با براهین محکم ضرورت حکومت اسلامی و ولایت فقیه مواجه شدند، هرچند ساکت و خلع سلاح شدند، لکن شبیه همین بیان را در بحث قلمرو دخالت حکومت اسلامی در اداره کشور مطرح نموده و قائل به دخالت حداقلی شده و مدعی شدند که حکومت حق تدبیر امور کلی و کلان مملکت را دارد، ولی حق دخالت در مسائلی مثل حجاب و امر به معروف و جلوگیری از تحقق محرماتی مثل شراب خواری، روابط نامشروع و جلوگیری از چاپ و نشر کتاب ها، مجلات و

روزنامه‌های ضاله و منحرف و حتی صرف بودجه برای تبلیغ دین و دین‌داری در جهت توسعه اخلاق و معنویت را ندارد؛ به طوری که صریحاً اعلام نمودند که حکومت در امور شخصی، دینی و اخلاقی مردم دخالت نکند. بنا نیست حکومت مردم را به زور شلاق به بهشت ببرد. مردم را آزاد بگذارید تا به اختیار خود بهشت و جهنم را انتخاب کنند.

اما این اشکال به دو صورت نقضی و حلّی قابل پاسخ است:

**جواب نقضی:** پس چرا در جریان کرونا بالاتفاق قانون تصویب نمودید که همه باید ماسک بزنند و همه را مجبور به عمل نمودید و در صورت تخلف، جریمه و محرومیت‌های اجتماعی به دنبال داشت؟ چرا نگفتید مردم را در انتخاب مرگ و زندگی آزاد بگذارید؟ چرا وزارت بهداشت قوانین سخت‌گیرانه نسبت به مواد غذایی (فروش و سرو آن در رستوران‌ها و غذاخوری‌ها و...) تصویب و اجرا می‌کند؟ چرا در قوانین راهنمایی و رانندگی این‌گونه سخت‌گیری می‌شود؟ چرا نسبت به مسافرین و بار و تجهیزات الکترونیکی مسافرین هواپیما، آن ضوابط خاص قرار داده شده است؟ چرا مردم را در انتخاب سلامت و مرض، تصادف و عدم تصادف، سقوط و عدم سقوط، آزاد نمی‌گذارید؟

علاوه بر اینکه این ادعاها مشتمل بر مغالطه است؛ زیرا هیچ‌کس نگفته مردم را به زور به بهشت ببریم، بلکه بحث بر سر دو مطلب است: یکی راهنمایی و معرفی صراط مستقیم و دوم، جلوگیری از آزادی عمل کسانی که می‌خواهند مردم را به زور به جهنم ببرند.

**جواب حلّی:** این یک مسئله درون‌دینی است و انصاف حکم می‌کند که ما برای پاسخ به این سؤال به منابع شریعت مراجعه کنیم و پاسخ بگیریم (مگر اینکه کسی اصل دین و اسلام را قبول نداشته باشد).

افزون بر آیات و روایاتی که در ابتدای بحث مطرح شد، با مراجعه به آیات و روایات، انسان منصف قطع پیدا می‌کند که اختیارات و وظایف حاکم اسلامی وسیع و فراگیر بوده و موظف به دخالت در غالب اموری است که بعضی شبهه می‌کنند. به‌عنوان نمونه، بعضی اخبار را ذکر می‌کنیم:

۱. زمانی که پیامبر خدا(ص) معاذین جبل را به سمت یمن اعزام می نمود دستورالعملی را برای او بیان فرمود: يَا مُعَاذُ عَلَّمْتُهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ أَدَبُهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ... أَمِتْ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا مَا سَنَّهَ الْإِسْلَامَ وَ أَظْهَرَ أَمْرَ الْإِسْلَامِ كُلَّهُ صَغِيرَهُ وَ كَبِيرَهُ وَ لِيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالدِّينِ وَ ذَكَرَ النَّاسَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ اتَّبِعِ الْمُوعِظَةَ فَإِنَّهُ أَقْوَى لَهُمْ عَلَى الْعَمَلِ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ ثُمَّ بَثَّ فِيهِمُ الْمُعَلِّمِينَ...» (ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۲۷؛ متقی الهندی، ۱۴۰۱، ج ۱۰، ص ۵۹۴)؛ ای معاذ قرآن خدا را به آنها بیاموز و به اخلاق خوب پرورش بده و شعارهای دوران جاهلیت را از میان ببر مگر آنچه را اسلام زنده داشته است. امر اسلام را از خرد و کلان پدیدار کن و مردم را متذکر خدا و روز جزا بنما و آنها را موعظه کن و آموزگاران و معلمان را برای آنان تعیین و بین آنها پراکنده کن.

۲. امام علی (ع) می فرماید: «إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَّامِ وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ...» (نهج البلاغه، ص ۱۸۹)؛ یعنی هدف از تشکیل حکومت این ست که معالِم و احکام دین احیاء و اجرا شود و به تبع آن فساد از جامعه اسلامی برچیده شود.

۳. همچنین حضرت علی می فرماید: «لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَاحُ فِي الْمُوعِظَةِ وَ الْجِتْهَادُ فِي النَّصِيحَةِ وَ الْإِحْيَاءُ لِلسُّنَّةِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مُسْتَحْقِّيهَا...» (نهج البلاغه، ص ۱۵۲)؛ یعنی وظیفه امام و حاکم اسلامی این است که دستورهای الهی را ابلاغ و مردم را موعظه کند و درجهت نصیحت و خیرخواهی و احیاء سنت رسول خدا و در نهایت اجرای حدود الهی منتهای تلاش خود را بنماید.

۴. امام رضا(ع) می فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ... الْإِمَامُ يَحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴) ج ۱، ص ۴۳۸.

## ۲. بایسته های دولت اسلامی نسبت به توسعه معنویت و اخلاق

بایسته های دولت دو گونه است: ۱. ایجابی، ۲. سلبی.



بایسته‌های ایجابی هم دو گونه است: ۱. مستقیم و بی‌واسطه، ۲. غیرمستقیم و با واسطه.

بایسته‌های سلبی نیز دو گونه قابل تصور است: ۱. مستقیم و بی‌واسطه، ۲. غیرمستقیم و با واسطه.

بنابراین دولت اسلامی باید چهار حوزه فعالیت داشته باشد و به تعبیر دیگر، چهار حوزه فعالیت برای دولت اسلامی تعریف می‌شود.

۱. **ایجابی مستقیم:** یعنی دولت موظف است از طریق وزارتخانه‌های مناسب، مانند ارشاد و... گام‌های تعلیمی و توجیهی در جهت تبیین مبانی و معارف دین بردارد و آن هم در دو حوزه است: الف) حوزه دولت که متشکل از مجموعه کارمندان تشکیل دهنده وزارتخانه‌ها و ادارات و ارگان‌ها و... است (اعم از تبلیغات سمعی بصری، نماز جماعت و مراسم و...؛ ب) حوزه عموم مردم، یعنی اقدامات تعلیمی و توجیهی و کارگاهی و... از طریق صدا و سیما، آموزش و پرورش، وزارت علوم و... برای عموم مردم.

## ۲. ایجابی غیرمستقیم:

الف) پشتیبانی نامحسوس نسبت به فعالیت‌های دینی، اخلاقی و... مثل پشتیبانی از مساجد و برنامه‌های آن، پشتیبانی نسبت به هیئات مذهبی، چاپ قرآن و مفاتیح و کتاب‌های مفید دینی و با تخفیف قابل توجه یا مجانی در اختیار نیازمندان قرار دادن. پشتیبانی از فعالیت‌های هنری که در جهت توسعه معنویت و اخلاق شکل گرفته به انحاء مختلف.

در اختیار قرار دادن امکانات دولتی از جمله باغات، امفی تئاتر، تفریح‌گاه‌ها، استخرها، سینماها و... .

ب) تصویب قوانین و مقررات مناسب توسعه معنویت و اخلاق در جامعه. گاهی تصویب یک قانون خاص، دست فعالان فرهنگی و دینی را باز می‌کند، به طوری که می‌تواند توسعه قابل توجهی نسبت به فعالیت‌های خداپسندانه خود داشته باشد. ج) ایجاد شبکه ملی اطلاعات و هدایت قاطبه مردم از طرق مختلف تشویقی و... به سمت این شبکه‌ها و... .

د) تلاش در جهت تقویت قوه و بنیه اقتصادی مردم و جلوگیری از تورم و عدم آرامش در بازار و تلاش در جهت تولید ثروت و زدودن فقر از جامعه که زمینه ساز تأثیرگذاری فعالیت های فرهنگی دینی دولت می شود و به طور کلی، اصلاح دنیای مردم پیش نیاز برای اصلاح دین و آخرت مردم است؛ کما اینکه افساد در دنیای مردم، بهترین زمینه ساز انواع انحرافات دینی و فرهنگی و اجتماعی است.

ه) صدا و سیما دانشگاه عظیم و بی بدیلی است که اگر صحیح و متعهدانه مدیریت شود، بهترین ابزار سراسری برای تبلیغ و نهادینه کردن معارف و اخلاق اسلامی و... می باشد. ناگفته نماند که این بخش از بحث از آن چنان اهمیتی برخوردار است که طلب می کند مسئولین اولاً خودشان متعهد به دین و از دلسوزان دین مردم باشند و ثانیاً توجه ویژه به صدا و سیما داشته باشند هم از جهت انتخاب مدیران و برنامه ریزان و کارگردان ها و هم از جهت مدیریت و نظارت بر برنامه ها و هم از جهت بودجه.

۳. **سلبی مستقیم و بی واسطه:** مثل حذف و فیلتر نمودن شبکه های منحرف و الحادی و ضداخلاق و معنویت و شناسایی و حذف کارمندان، اساتید و... که در جهت تضعیف دین قولاً و عملاً گام برمی دارند و یا موجب عقیم ماندن فعالیت های فرهنگی دینی می شوند.

#### ۴. **سلبی غیر مستقیم و با واسطه:**

الف) مانع تراشی نامحسوس نسبت به فعالیت های ضد دینی و ضداخلاق (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۵).

ب) حذف قوانین و مقرراتی که می تواند مستمسک گروه های انحرافی و ضد معنویت قرار گیرد در جهت آزادی عمل برای تخریب اخلاق و معنویت.

ج) اقدامات قانونی لازم در جهت تضعیف بنیه مالی گروه های انحرافی.

د) تلاش در کشف تخلف های قانونی و شرعی گروه های کذابی و افشای آنها.

ه) سیاست گذاری و تدوین برنامه هایی در صدا و سیما که به طور ضمنی و غیر صریح مبانی فکری گروه های کذابی را به چالش بکشد و ذهن مردم را نسبت به آن مبانی بدبین و حتی متنفرد کند.

## نکات تکمیلی

### ۱. جایگاه کارگزاران حکومت و تأثیر آن

الف) شخصیت علمی، اخلاقی و رفتاری رهبر حکومت اسلامی نقش بی بدیلی در توسعه معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی دارد، خصوصاً اگر به مرتبه کاریزمایی برسد که در این میان، اوصافی مانند زهد، ساده‌زیستی، عدم‌استفاده مالی و دنیوی از بیت‌المال و مقام و موقعیت سیاسی و اجتماعی و دوری از مال اندوزی و... تأثیر خاصی دارند.

ب) انتخاب کارگزاران دین‌دار، عاقل و متعهد به قوانین دینی و حقوقی و دست‌پاک و دوری‌کننده از درآمدهای حرام و سوءاستفاده از موقعیت شغلی و دارای احساس مسئولیت نسبت به جان و مال مردم و درنهایت دین و دین‌داری آحاد جامعه؛ زیرا حتی با وجود رهبر عالی و مناسب، اگر کارگزاران و مدیران میانی شرایط لازم را نداشته باشند با اقدامات غیر قابل‌قبولی که انجام می‌دهند، چهره نظام حکومت دینی را کریه جلوه داده و زمینه بدبینی نسبت به کارآمدی دین در جامعه و به دنبال آن زمینه بی‌دینی و دوری از دین را فراهم می‌کنند.

ج) نظارت جدی و مستمر و پیوسته بر کارگزاران و مدیران و...

د) توجه به عدالت اقتصادی و اجتماعی و محوریت عدالت در جمیع قوانین و مصوبات تأثیر زیادی در گسترش دین‌داری و معنویت در جامعه دارد. البته پرواضح است که مراد عدالت واقعی است نه شعار عدالت، یعنی آثار عدالت و دوری از تبعیض را باید همه آحاد جامعه در متن زندگی خود ببینند و الا شعار عدالت بدون واقعیت کاملاً نتیجه معکوس دارد.

ه) لازم است مسئولین حکومت اسلامی تبلیغ لسانی اخلاق و معنویت را به حداقل برسانند و در مقابل، تبلیغ عملی خودشان را به حداکثر برسانند. این دستور اسلامی که «کونوا دعاة الناس بغير السننکم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۸)، اطلاق دارد و همه افراد اعم از رئیس و مرئوس و اعم از مسئولین و آحاد مردم را شامل می‌شود، بلکه نسبت به مسئولین به دلایل مختلفی که بعضی از آنها گذشت، اهمیت بیشتر می‌یابد.

## ۲. جایگاه خانواده

خانواده نقش منحصر به فردی در انعقاد نطفه ایمان و رشد و بالندگی آن و توسعه معنویت و اخلاق دارد و لذا اسلام توجه ویژه و فوق العاده به تشکیل خانواده و تثبیت و بقای آن دارد. توصیه‌های متعدد اخلاقی و دستورات مختلف مولوی و ارشادی هم در جهت تشکیل خانواده و هم در جهت حفظ و بقای آن و هم در زمینه بالندگی آن ارائه نموده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۸) و از طرف دیگر طلاق را که منهدم‌کننده اساس خانواده است، مبعوض‌ترین حلال قلمداد کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۴).

با توجه به آنچه گذشت معلوم می‌شود که دولت اسلامی اگر واقعاً درصدد توسعه معنویت و اخلاق باشد، ناگزیر است که توجه خاص به اساس خانواده داشته باشد و اسباب و عوامل شکل‌گیری آن را تقویت و در مسیر انهدام خانواده مانع تراشی کند.

حقیقت امر این است که به اعتراف قاطبه صاحب‌نظران تربیتی و جامعه‌شناسی، مهم‌ترین و مؤثرترین نهاد جامعه که دین و دین‌داری در آن شکل گرفته و نهادینه می‌شود، خانواده است.

بسیاری از اعتقادات و معارف مکتب انبیا که در ذهن نوجوانان شکل می‌گیرد و به مرور رشد می‌کند، ناشی از جو آرام و ایمانی است که در خانواده‌ها به وجود می‌آید. بسیاری از مفاهیم دینی مانند حجاب و حیا و بعضی مفاهیم اخلاقی دیگر به‌نحوی است که اگر در خانواده شکل نگیرد بعد از خروج فرد از خانواده و ورود به جامعه انتقال آنها به ذهن دختر و پسر جوان بسیار مشکل می‌نماید.

اینجاست که روشن می‌شود چرا فرهنگ مهاجم غرب و دشمنان ایران تلاش فوق‌العاده‌ای دارند که وجود خانواده را کم‌اهمیت جلوه داده و ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری را صریحاً یا تلویحاً مسخره کنند.

یکی از حرکت‌های ایجابی غیرمستقیم دولت اسلامی در جهت توسعه معنویت و اخلاق در جامعه، توجه جدی و تام به صفر تا صد مسائل خانواده و حمایت از آن است.

دولت‌های ما در گام اول انقلاب و ۴۰ سال اول کارنامه خوبی ارائه نکرده‌اند؛ لذا آمار ازدواج سال به سال و ماه به ماه کاهنده و آمار طلاق رو به افزایش بوده و متأثر از همین وضعیت روز به روز و سال به سال اخلاق و معنویت کم‌رنگ‌تر شده است. تجربه گذشته و منطق دین و علم به ما می‌گوید که مهم‌ترین وظیفه و بایسته دولت حمایت جدی و واقعی و همه‌جانبه از نهاد خانواده از جهات مختلف است.

### ۳. جایگاه آموزش و پرورش

بعد از خانواده و در طول آن، آموزش و پرورش در جهت تثبیت و توسعه معنویت و اخلاق، جایگاه بسیار مهم، کلیدی و حساسی دارد.

بعد از اینکه ریشه‌های ایمان و اخلاق در خانواده در وجود کودک شکل گرفت و با این سرمایه گران‌بها وارد محیط مدرسه شد، اگر محیط مناسب و آماده رشد و بالندگی باشد نهاد ایمان و تقوا در وجود نوجوان به مرور محکم و سستبر شده «كَزَّعَ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح، ۲۹) و توسعه معقول و متناسب را پیدا خواهد نمود و این رشد جدید زمینه رشد متعالی در محیط مناسب دانشگاه می‌شود، ولی اگر محیط آموزش و پرورش مناسب نباشد نهال شکل گرفته در محیط خانواده در مدرسه می‌خشکد و یا تبدیل به ضد خود می‌شود؛ لذا از بایسته‌های دولت اسلامی در جهت توسعه معنویت و اخلاق این است که اولاً به ساختار آموزش و پرورش؛ ثانیاً قوانین و مصوبات و دستورالعمل‌های جاری و عملیاتی؛ ثالثاً نیروهای آموزشی و پرورشی یعنی مدیران و معلمان و مربیان پرورشی، عنایت جدی داشته باشد.

متأسفانه ما در این بخش نیز در گام اول انقلاب موفق عمل ننموده‌ایم؛ زیرا اگر هم عنایت و توجهی بوده بیشتر در جنبه علمی نقش داشته و جهت ایمانی و معنوی مغفول‌عنه گردیده و در نتیجه، مدارس و آموزشگاه‌های ما از جهت تربیت نیروهای معنوی و متخلق در مستوای قابل‌قبولی قرار نگرفته است؛ لذا منطق عقل و دین حکم می‌کند در گام دوم انقلاب دولت محترم، آموزش و پرورش را با چند حرکت جهادی در جهت توسعه معنویت و اخلاق به حرکت درآورده و با بخش‌هایی از حکومت که کارنامه موفق‌تری داشته‌اند هماهنگ نماید.

#### ۴. جایگاه نقد و بررسی

هر برنامه اجرایی ابتدا طرح و برنامه آن تنظیم می شود و سپس وارد صحنه عمل شده و اجرا و عملیاتی می شود. با توجه به اینکه ما معمولاً عصمت علمی و عملی نداریم، در معرض اشتباه و غفلت هستیم؛ از این رو هم در طرح و برنامه ریزی و هم در اجرای آن مبتلا به آثار نامطلوب برنامه یا اجرای غلط خواهیم شد.

در دولت اسلامی نیز هر اشتباه از او سر بزند در برنامه ریزی باشد یا در اجرا، آثار نامطلوب آن در جامعه ظاهر شده و در اثر تکرار سبب بدبینی شهروندان نسبت به دولت اسلامی و به دنبال آن نسبت به دین می شود و این خود مانع بزرگی بر سر راه توسعه معنویت و اخلاق است.

راه حل: اما راه حل، توجه و بها دادن به نقد صاحب نظران و اعتنا به نقادان بلکه تقاضا و التماس نسبت به صاحبان فکر و اندیشه مبنی بر نقد برنامه ها است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۹). بنابراین یکی از مهم ترین بایسته های دولت اسلامی در جهت توسعه معنویت و اخلاق استقبال از صاحب نظران و نقد و بررسی و پیشنهادات آنان در جهت رفع نقائص برنامه های دولت در مقام طراحی و اجرا است.

#### ۵. جایگاه توجه به آمار

یکی از بایسته های حکومت و دولت اسلامی، توجه به آمار در زمینه های مختلف حکومتی از جمله وضعیت اخلاق و معنویت جامعه است، مثل آمار نمازگزاران، روزه گیران، باحجاب ها و بی حجاب ها، آمار ازدواج و طلاق و آمار دزدی و جرم و جنایت. به طور کلی اگر آمار واقعی و علمی و بدون غرض و مرض تهیه شود، آینه تمام نمای وضعیت جامعه است.

توجه به آمار آثار مختلف و فراوانی دارد، از جمله اینکه حرکت به سمت رشد و یا عکس آن را خیلی زود متوجه می شویم؛ به این معنا که اگر رشدی واقع شد ولو اندک متوجه می شویم و در صورتی که برخط باشیم تحلیل نموده و علت یابی می کنیم و با کشف علت و تلاش در جهت ثبات و بقای علت، استمرار رشد تضمین می شود؛ همان گونه که در جهت شروع انحطاط و انحراف و سقوط دقیقاً همین اتفاقات می افتد و با

شناخت علت سقوط و انعدام آن، از سقوط جلوگیری می‌شود قبل از اینکه به مرحله‌ای برسد که قابل کنترل نباشد.

خلاصه اینکه نباید نسبت به سطح معنویت و اخلاق در جامعه بی‌خیال باشیم، بلکه با توجه جدی و علمی به آمارهای مرتبط توسعه معنویت موجود در جامعه را پیوسته ارزیابی نموده و با وقوع کمترین علایم توسعه در معنویت، علت‌یابی نموده و با ابقاء و تکمیل علت، توسعه قابل‌توجه را رقم بزنیم.

#### ۶. کنترل و مدیریت فضای مجازی

از قدیم الایام بین فقهای عظام مشهور بود که خرید و فروش و حفظ کتب ضلال حرام است. مراد از کتب ضلال هم کتاب‌هایی است که محتوای انحرافی دارد و معمولاً سبب دورکردن خواننده از مسیر حق و حقیقت می‌شود؛ یعنی از طریق اشاعه شبهات فکری و اعتقادی، ذهن مؤمنین را مبتلا به تردید و شک می‌کند و یا با بیان به‌ظاهر جذاب خود باعث هنجارشکنی و قبح‌زدایی از افکار باطل و گناه و خیانت و جنایت می‌شود.

در زمان‌های گذشته شرایط بسیط بود، ولی در زمان ما بسیار پیچیده شده و ابزارهایی

که در اختیار نوع انسان‌ها قرار گرفته، زمینه‌ساز انحراف‌های بسیار پیچیده گردیده است. وجود ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی گسترده و فراگیر و... و با توجه به اینکه غالب اینها تحت سلطه کشورهای غربی و دشمنان ما یعنی استکبار جهانی می‌باشند و با توجه به اینکه آنها دشمنان قسم‌خورده‌ای هستند که کمر به انحراف مردم ایران و تخریب مبانی اعتقادی و ملی آنها بسته‌اند، به‌نظر می‌رسد یکی از مسئولیت‌ها و بایسته‌های دولت اسلامی مبارزه جهادی و بی‌امان با سرچشمه‌های فساد و تباهی است، هم از جهت اثباتی و هم از جهت سلبی.

مبارزه سلبی به این است که تا قدرت داریم مانع از انتشار آزادانه این‌گونه مفاهیم انحرافی شویم و مبارزه‌ای اثباتی این است که شبکه ملی اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن تکمیل و راه‌اندازی شود.

انصاف این است که اگر دولتی ادعای اسلامی بودن کند و ادعا کند نسبت به رشد معنویت و اخلاق در جامعه احساس مسئولیت می‌کند، لکن نسبت به مدیریت فضای

مجازی بی خیال باشد، در ادعای خود صادق دیده نمی شود؛ مگر می شود دولت اسلامی فضای کسب و کار و فرهنگ و دیانت مردم را کاملاً در اختیار دشمن دین و ملت بگذارد (هود، ۱۱۳)، در حالی که می دانیم آنها جز به منافع نامشروع خودشان فکر نمی کنند و تجربه حضور آنان در ایران و بسیاری کشورهای دیگر بیانگر این حقیقت است که آنها در مسیر رسیدن به منافع خودشان با کمال بی رحمی عمل نموده و نابودی ملت ها و منابع و فرهنگ آنها برای آنان هیچ اهمیتی ندارد (توبه، ۸-۱۰).

امروز تکمیل و راه اندازی شبکه ملی اطلاعات و کوتاه کردن دست شبکه های معاند بیگانه از ضروری ترین اولویت های جامعه ما بوده، بلکه از نفس کشیدن مهم تر است؛ زیرا تنها امیدی که برای دشمنان باقی مانده، نفوذ از طریق فضای مجازی و به دست گرفتن مدیریت فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی جامعه است، بلکه از این طریق قادر خواهند بود افکار سیاسیون و اتاق فکر نظام را مدیریت کرده و به جای آنها تصمیم بگیرند.

در نتیجه، اگر دولتی درصدد تثبیت، تحکیم و توسعه معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی باشد، ضروری ترین گام در شرایط فعلی جهانی کنترل فضای مجازی و تأسیس و راه اندازی یک شبکه ملی اطلاعات کامل و فراگیر و فعال است.

#### ۷. آسیب شناسی روش ها و مدل های اجرایی گذشته

از ابتدای پیروزی انقلاب مسئولین و دست اندرکاران انقلاب فی الجمله درصدد حفظ و نگهداری معنویت حاصل از انقلاب در جامعه بودند و خبرگان و نخبگان از مسئولین هم کم و بیش متوجه ضرورت آینده نگری نسبت به وضعیت معنوی جامعه بوده و در اندیشه این بودند که تعمیق و توسعه جدی در دین داری و اخلاق اتفاق بیفتد.

بعضی راهکارها مفید و مؤثر بود و بعضی بی فایده بلکه مضر بود. امروز تمام کسانی که دغدغه جدی نسبت به آینده معنوی و دینی جامعه و تعمیق و توسعه آن در گام دوم انقلاب دارند، اذعان و اعتراف می کنند که از ضروریات قطعی و غیر قابل انکار این است که روش ها و مدل های اجرایی گذشته آسیب شناسی جدی شود و نقاط قوت و ضعف مشخص شده و مبتنی بر نتایج آن، روش و مدل حرکت آینده مشخص شود.



بعضی روش‌های گذشته افراطی و بعضی بی‌فائده و یا کم‌فایده و بعضی بسیار مفید و اثرگذار بوده است. توجه به این کارنامه عملی چشم و گوش ما را نسبت به آینده باز نموده و چشم‌انداز آینده را برای دوستان انقلاب روشن نموده و آنان را در تنظیم نقشه‌راه آینده یاری جدی و اساسی خواهد نمود.

از بایسته‌های دولت اسلامی، تعریف و تشکیل اتاق فکر برای انجام به‌موقع امور ذکر شده است که از شرح وظایف آن این باشد که دائماً و برخط وضعیت روش‌های در حال اجرا را رصد نموده و موارد موفق را تثبیت و موارد ناکارآمد را سریعاً حذف کند. غفلت از این امر مهم باعث می‌شود که سال‌ها انرژی و سرمایه‌های گران‌بهای کشور در مسیری صرف شود که هیچ اثر و ثمره‌ای بر آن مترتب نبوده و نیست، بلکه فضای معنوی کشور را گرفتار معطلات و بن‌بست‌ها و بلکه بحران می‌کند.

بسیاری از معضلات و بحران‌هایی که امروز کشور عزیز و انقلابی ما را دربر گرفته، ناشی از همین غفلت بزرگ بوده است.

#### ۸. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مبادی توسعه معنویت و اخلاق در جامعه، حفظ فضای عمومی جامعه است؛ به این معنا که فضای گناه‌آلود جامعه سطح معنویت را به مرور تنزل داده و ضد توسعه است و در صورت حفظ فضای عمومی جامعه زمینه‌های توسعه معنویت فراهم می‌شود و یکی از ارکان حفظ فضای عمومی جامعه از حیث دیانت جریان امر به معروف و نهی از منکر است.

توضیح اینکه یکی از احکام قطعی و ضروری اسلام وجوب امر به معروف و نهی از منکر است که آیات و روایات متعدد در فضیلت و احکام آن وارد شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۱۷، باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر).

تازمانی که انقلاب تحقق نیافته و حکومت تشکیل نشده بود و از نگاه فقه فردی به این واجب الهی پرداخته می‌شد، تحلیل اهل تدبیر در احکام الهی این بود که این واجب الهی اهرم خوبی است که برای کنترل افراد جامعه و حفظ آنان از انحراف و سقوط طراحی شده و کاربرد دارد؛ لکن با تشکیل حکومت و نمودار شدن چالش‌های اجتماعی و تفرقه‌های

دینی و مدنی و به دنبال تهاجم سهمگین فرهنگی دشمنان حکومت اسلامی، متوجه بعد اصلی و اساسی وجوب امر به معروف و نهی از منکر شدیم و آن حفظ فضا و حریم عمومی جامعه از ابتدال و پلیدی و گناه است.

دشمنان در ادامه توطئه های سخت افزاری و نرم افزاری متعدد نسبت به کشور ما تحلیل اتاق فکر آنان به اینجا رسید که تنها راه ساقط نمودن حکومت اسلامی جنگ نرم افزاری است نه سخت افزاری؛ یعنی با تهاجم بی امان رسانه ای وسیع، دین داری، معنویت و اخلاق را در بین ملت ضعیف کنیم و این مهم از دو راه ممکن است: ۱- تضعیف اعتقادات آنان از طریق هجوم شبهات فکری و عقیدتی و بمباران تردید نسبت به مبانی دین؛ ۲- آلوده نمودن فضای عمومی جامعه و فراگیر نشان دادن میل به گناه و معصیت، القای دوری جوانان و نسل های جدید از دین و معنویت و ...

در این فضای جنگ زده در جنگ رسانه ای یکی از راه هایی که تا حدود زیادی می تواند فضای جامعه را از آلوده شدن حفظ کرده و فتنه گران آلوده را خلع سلاح کند، امر به معروف و نهی از منکر عمومی و همگانی در حد تذکر لسانی است. بنابراین یکی از بایسته های دولت اسلامی، زمینه سازی، راه اندازی و سامان دهی جریان امر به معروف و نهی از منکر است.

در گام اول دولت اسلامی باید تبیین کننده حقیقت این واجب الهی و جایگاه آن در اسلام و نظام اسلامی و آثار و برکات و پیامدها و کاربرد آن در حفظ فرد و جامعه از ابتدال و انحراف، باشد؛ به عبارت دیگر، می باید به وسیله نیروهای مناسب و آماده ای که در کشور وجود دارد و یا آموزش و تربیت چنین افرادی در گام اول جهاد تبیین را عملیاتی کند تا اینکه جامعه اسلامی بینش و بصیرت پیدا نموده و جایگاه امر به معروف را دریافته و نسبت به محدوده ای که وظیفه همگانی است، یعنی تذکر لسانی، عموم مؤمنین را در جهت انجام این حد از این واجب الهی بسیج کند که قطعاً آثار و برکات غیر قابل انکاری دارد.

گام دوم فراهم نمودن سازوکارهای قانونی و اجرایی در جهت پشتیبانی عملی و جدی از عاملین به امر به معروف است، به گونه ای که جامعه مؤمنین اطمینان پیدا نمایند که اگر

در مقام اجرای این حد از امر به معروف بعضی قلدری نموده و قصد آسیب زدن بر آمرین به معروف و یا تهدید آنان را داشته باشند، قانون و نیروهای قانونی کشور پشتیبان آنها بوده و از حریم آنان حمایت می‌کند.

### ۹. جایگاه حجاب و عفاف

از اموری که تأثیر قابل توجه و فوق العاده‌ای بر توسعه معنویت و اخلاق دارد، حجاب و عفاف است.

مسئله حجاب بحث‌های مختلفی را می‌طلبد، از جمله اصل حکم شرعی حجاب و ادله آن، موضوع حجاب و محدوده عرفی و شرعی آن، حکمت ذکر شده در آیات و روایات پیرامون حجاب، پیامدهای اخروی بی‌حجابی، اجباری یا اختیاری بودن حجاب در حکومت اسلامی و...؛ لکن در بحث ما هیچ کدام از این موارد مدنظر نیست، بلکه محور بحث ما این است که جایگاه حجاب در گسترش و توسعه و تعمیق معنویت و اخلاق در جامعه چیست؟

با تأمل عمیق در مسئله به این نتیجه می‌رسیم که برای کشف این جایگاه رفیع و منیع ناچاریم در ساحات مختلفی این بحث را پیگیری کنیم؛

۱. ساحت حجاب و استحکام خانواده با ملاحظه نقش خانواده در تحکیم معنویت و اخلاق که قبلاً بحث آن را مرور نمودیم.

۲. ساحت حجاب و آرامش روانی در فضای عمومی و فضای کسب و کار جامعه با ملاحظه و توجه به نیاز توسعه در معنویت و اخلاق به آرامش روحی و روانی؛

۳. ساحت حجاب و آرامش روانی در فضای اداری جامعه؛  
جا دارد نسبت به تک تک ساحات ذکر شده تأمل و تدبر بیشتری داشته باشیم و حاصل این تدبر را ارائه نموده و در مقام عمل و اجرا مورد استفاده قرار دهیم.

### ساحت اول: رابطه حجاب و تحکیم خانواده

در بحث‌های گذشته به طور مبسوط درباره نقش و جایگاه خانواده در توسعه و تعمیق معنویت بلکه در شکل‌گیری نطفه و ریشه و اساس آن مطالب مفصلی را عرضه داشتیم که برای فعلیت یافتن نقش آفرینی خانواده در توسعه معنویت و وظیفه همگان از جمله دولت

اسلامی، حفظ کیان خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن و حرکت در جهت حفظ و تحکیم خانواده است و یکی از ارکان اصلی حفظ این کیان و ستون خیمه آن حفظ حجاب افراد خانواده است.

زمانی که پایه های حجاب در خانواده سست می شود و زیبایی ها و جذابیت های درونی خانواده علنی می شود، مثل این است که دیوارهای حافظ اسرار و دارایی های خدادادی خانواده شیشه ای می شود و چشم بولهوسان به درون خانه شیشه ای دوخته می شود و زمینه های ارتباط بیرون و درون هموار شده، بخشی از توجه افراد از درون به بیرون معطوف و پالس های ارتباطی غیر اختیاری و به دنبال آن اختیاری، زمینه بدبینی درون خانه ای را هموار نموده و همچون آتشی به خرمن بنیان خانواده افتاده و خیمه سوخته آن بر سر افراد آوار می شود. اکثر اختلافات ریز و درشت بین همسران و به دنبال آن طلاق و جدایی ها از همین نگاه های مشکوک و پیام ها و ارتباط های شبهه ناک نشئت می گیرد.

اما بر عکس، اگر حجاب و لوازم آن حفظ شود آشیانه خانواده تبدیل به حصن حصین گشته و برج و باروهای بلندی از امنیت اهل خانه حفاظت می کند و نگاه های نامحرمان و بولهوسان و خناسان از این خانواده منصرف شده و گرگ های گرسنه و هوسران و درنده در اطراف این خانه پرسه نمی زنند؛ زیرا بوی گوشت و طعمه استشمام نمی شود.

زمانی که چنین شد، آرامش حاکم می شود و دغدغه ها و وسوسه های خناسان نابود گردیده و ذهن و روح افراد خانواده آماده حرکت به وادی معنویت و اخلاق شده و عطر آن فضای خانواده را فرامی گیرد. از نگاه کارشناسان این حوزه هیچ شک و تردیدی نیست که بدون این آرامش، امکان توجه به اخلاقیات و معنویت وجود نخواهد داشت.

دولت اسلامی که در بحث های گذشته اثبات نمودیم موظف به توسعه معنویت و اخلاق در جامعه است و به پیوست این وظیفه و به عنوان مقدمه واجب بیان داشتیم که باید در تحکیم خانواده کوشا باشد، به عنوان مقدمه مقدمه موظف است که از حریم حجاب در جامعه پاسداری کند وگرنه تلاش های وی آب در هاون کوبیدن است.

ساحت دوم: حجاب و آرامش روانی در فضای عمومی جامعه و محل کسب و کار در مباحث گذشته بیان شد که از بایسته‌های دولت اسلامی تلاش در مسیر توسعه معنویت و اخلاق است و از باب مقدمه واجب موظف است که زمینه‌های تحقق این مهم را ایجاد و موانع را برطرف کند.

یکی از زمینه‌ها و مقدمات مسلم و قطعی توسعه ذکر شده، وجود و ثبوت آرامش روحی و روانی در جامعه است؛ چراکه در فضای مضطرب (اعم از اضطراب‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و...) و بدون ثبات عملاً جایی برای پرداختن و تفوه به مفاهیم معنوی و اخلاقی باقی نمی‌ماند و یا اینکه ضعیف می‌شود و واضح است که وجود و عدم وجود حجاب در جامعه تأثیر شگرفی در بروز و عدم بروز آرامش روانی و اجتماعی دارد.

وقتی فضای عمومی جامعه دائم در معرض نقش و نگارهای محرک هوس‌های جنسی از نوع نقش و نگارهایی که معمولاً در خلوتکده خانه‌ها رخ می‌نماید قرار داشته باشد، ذهن افراد دائم مشغول به این امور شده و ذهن آن‌ها ویرین رژه مانکن‌های مختلف عرضه سکش و... می‌شود. طبیعی است در چنین فضا و جو آلوده، از معنویت و اخلاق و شاخص‌های آن سخن به میان آوردن تأثیر چندانی ندارد و اصلاً گوش شنوایی وجود ندارد، خصوصاً که از طرفی ذهن ناظرین صحنه‌های این چنینی به طور طبیعی مبتلا به مقایسه بین زنان عریان بیرونی و همسر خود شده و در بسیاری از موارد مانکن بیرونی امتیاز بهتری می‌گیرد که خود مستلزم معضلات خاص و اضطراب‌های روحی و روانی مختص به خود می‌شود و از طرف دیگر رقابت بین افراد جامعه در صید سوژه‌هایی که در صحنه کوچک و بازار خودنمایی و عرض اندام می‌کنند، زمینه بسیاری از اختلافات و نزاع‌های اجتماعی و اضطراب‌های روحی و روانی را فراهم می‌کند. چه بسیار است حکایت‌های واقعی که در پرونده‌های قضایی و روزنامه‌ها و مجلات خودنمایی می‌کند و بعضی سوژه سناریوی فیلم‌ها و تئاترها می‌شود که طبیعتاً ذهن عقلا و دلسوزان جامعه را همراه با تأسّف به خود مشغول نموده است.

حکومت و دولت اسلامی که از وظایف خود توسعه معنویت و اخلاق را در جامعه می‌داند، چاره‌ای ندارد که با پاسداری از حریم حجاب در جامعه و جلوگیری مناسب از ولنگاری‌های غیر متعارف آرامش لازم و موردنیاز را به جامعه برگرداند تا بتواند تلاش‌هایش را در جهت معنویت و اخلاق جامعه به بار بنشانند.

### ساحت سوم: حجاب و آرامش روحی و روانی در محیط‌های اداری کشور

پرواضح است که آنچه درباره نقش حجاب در تثبیت آرامش روانی در ساحت قبل گفته شد، دقیقاً و با حساسیت خاص و گسترده‌تر در محیط اداری خود را نشان می‌دهد و باتوجه به اینکه غالب محیط‌های اداری دو جنسیتی شده و مرد و زن کارمند اداری در کنار هم به مدت حداقل هشت ساعت و بیشتر مشغول رتق و فتق امور اداری هستند و بالطبع ارتباطات بسیار گسترده‌تر و صمیمانه‌تری بین افراد برقرار می‌شود، نقش حجاب و عفاف در کنترل محیط و جلوگیری از آشفتگی و اضطراب در ذهن و روح و روان کارمندان جدی‌تر و پررنگ‌تر می‌شود.

بعید به نظر می‌رسد که انسان عاقل و اندیشمندی که منطقی فکر می‌کند و هوا و هوس بر فکر و ذهن و اندیشه‌اش سلطه پیدا نکرده «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جائیه، ۲۳)، کوچک‌ترین شکی به خود راه دهد که ولنگاری خانم‌ها در محیط اداری به مرور هوس‌های خفته را بیدار و آرامش ذهنی و عاطفی افراد را گرفتار تکان‌های غیر منتظره نموده و زمینه اختلافات خانوادگی را آماده می‌سازد و از طرف دیگر، از راندمان عملی کارمندان کاسته و تمرکز آنان را بر انجام وظایف اداری ضعیف می‌کند.

در چنین محیطی، سخن گفتن از معنویات و اخلاق، چندان جایگاه و تأثیری ندارد و تلاش‌های دولت برای توسعه معنویت و اخلاق در محیط اداری مثل بارش باران در زمین شوره‌زار می‌ماند که هیچ ثمری ندارد «لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا...» (اعراف، ۵۸).

در نتیجه، وظیفه دولتی که نسبت به معنویت و اخلاق محیط اداری خود احساس مسئولیت می‌کند، این است که در گام اول این محیط را از وجود اشخاصی که تمام شخصیت آن‌ها در خودنمایی و کشف و عرضه زیبایی‌های طبیعی خود به دیگران خلاصه می‌شود، پاک کند (اگر قابل اصلاح نباشند).

## نتیجه

از منظر فقه حکومتی تردیدی وجود ندارد که دولت اسلامی نسبت به معنویت و اخلاق شهروندان مسئولیت جدی و فراگیر دارد. بر این مبنا در تحلیلی نو و کاربردی بایسته‌های توسعه معنویت و اخلاق در جریان عمل نمودن دولت اسلامی به مسئولیت خود تبیین شد و این نتیجه به دست آمد که دو گونه بایسته، یعنی ایجابی و سلبی که هر یک به دو گونه «مستقیم و بی‌واسطه» و «غیرمستقیم و با واسطه» تقسیم می‌شود، متوجه دولت اسلامی است. ضمن اینکه مثال‌ها و مصادیق روشنی از کف جامعه و بازار و ادارات و ارگان‌ها ارائه شد و در ادامه برای تکمیل بحث، نکات بسیار مهم و کاربردی و به روز بیان گردید، از جمله جایگاه کارگزاران حکومت، جایگاه خانواده و آموزش و پرورش، جایگاه نقد و بررسی و آسیب‌شناسی روش‌ها و مدل‌های اجرایی، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر و حجاب و عفاف در فرایند توسعه معنویت و اخلاق در جامعه، به طوری که بدون تردید هر دولتی که مسئولیت‌شناس باشد، هیچ چاره‌ای ندارد تا اتاق فکرش، نکات مذکور را تحلیل کرده و بعد از اعتراف به اهمیت آنها و تأثیر شگرف تک‌تک آنها در توسعه معنویت و اخلاق بر اساس درجه اهمیت آن‌ها و اولویت‌بندی معقول و منطقی، برنامه عملی و اجرایی خود را تنظیم کند و با قاطعیت کمر همت را در اجرای آن‌ها ببندد و جز به رضای خداوند و نجات جامعه از تباهی و فساد، اهمیت ندهد و در این مسیر سخت و طاقت‌فرسا بر ذات مقدس ربوبی توکل کند که علی‌الله فلیتوکل المؤمنون.

## منابع

### قرآن کریم

- نهج البلاغة، تحقیق: صبحی صالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیة.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، انهایة، چاپ چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن شعبة الحرانی، (۱۴۰۴ق) تحف العقول، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن منظور، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمة فی معرفة الائمة (ط-التقدیمه)، چاپ دوم، تبریز: بنی هاشم.
- حرّ عاملی، محمدحسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.
- حسینی زبیدی، محمدمرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۷الف)، بیانیه گام دوم، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ایران.
- خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۷ب)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ شانزدهم، مشهد: مؤسسه ایمان جهادی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: نشر شریف رضی.
- طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، چاپ اول، قم: دارالثقافة.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی (الأصول و الفروع)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۰۱ق)، کتاب القضاء، چاپ اول، قم: دارالقران الکریم.
- مازندرانی، ملاصالح، (۱۳۴۲ش)، شرح الکافی، چاپ اول، تهران: المكتبة الاسلامیة.
- متقی الهندی، علاء الدین، (۱۴۰۱هـ) کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- مجلسی اول، محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین، چاپ دوم، قم: مؤسسه کوشانپور.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- منسوب به امام رضا(ع)، (۱۴۰۶ق)، فقه الرضا، چاپ اول، مشهد: مؤسسه آل البيت.
- منسوب به امام صادق(ع)، (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، چاپ اول، بیروت: اعلمی.
- نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.